منعمان رابر أوردن دعاى رعيت شايسته باشدا

شمیران چقدراست؟انمی دانیددیگر!

۔ بحری من مسعری بعد پ وس و سعد خودمان دعوت می کنم! شــمارہ حساب موس محکرو هم یادداشت کنید!

برسپولیس،ان|زنگرانیمعاونتسلامتوزارت بهد

حالش تهرانگردی:منواقعانمیدانماین رئی

بابا وضعیت آب

صاحب امتياز: جمعيت هلال احمر مدير مسئول: عبدالرسول وصال

سردبیر: **کسری نوری**

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقته ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح بسای برر برد - - - - بسایی کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴ سامانه **پیام کو تاه**: **۳۰۰۰۰۹۷** کدپستی:۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷ فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰ تلفن: ۷- ۴۴۹۵۶۱۰۱

اوقاتشر عى: |اذان صبح ۴:۳۳:۳۳-|طلوع آفتاب ٥٠:۵۷:۰-| "اذان ظهر: ۴:۵۵:۹۱ |غروب آفتاب: ۱۷:۵۳:۰۸ | |اذان مغرب: ۱۱:۱۲:۱۲ |



راز تو در بند توست و چون فاش شود ۱۰۰۰دلم ا**مام علی(ع)**

رماندىورميديم

ماچون ز دری پای کشیدیم کشیدیم امید ز هر کس که بریدیم، بریدیم دل نیست کبوتر که چوبرخاست نشیند م دادن صحد خصوداز أغباز غلط بود رم سی سیست سود را سسر سسر میدیم حالا کسه رمانسدی و رمیدیسم، رمیدیم کوی تسو که بساغ ارم روضه خلد اسست انگار که دیدیم، ندیدیم، ندیدیم سدباغ بهار است و صلای گل و گلشن گر میسوہ یک بساغ نجیدیے ِتا بهُ قدم تيــغ دعاييم و تــو غافل ســرنا به قدم نیـــع دعاییم، هان واقف دم باش رســـیدیم، وحشی سبب دوری واین قسم سخنها آن نیست که ما هم نشنیدیم، شنیدیم وحشىبافقى

تقويم تاريخ

اشغال وتقسيم لهستان

۷۵ سال پیش، برابر با بیست و هشتم سپتامبر ۱۹۳۹ میلادی، نیروهای آلمان از غُرب و ُنیروهای شــوروی اُزُ شــرق در تان به یکدیگر رسیدند و ارتش ۰ ۷۰هزار نفری لهستان از هم پاشیا در همین روز، فون ریبن تروپ و مولوتف وزیران امور خارجه آلمان و شــوروی، در رریری مسکو قرارداد تقسیم لهســـتان را میان دو کشــور امضا کردند. در برلین، آدولف تو هستوراست برمین الوید هیتلر اعلام کرد تجاوزی در کار نبوده و تنها سرزمینهای از دست رفته آلمان را پس از ۲۱ سال پس گرفته است و قصد جنگباکشور دیگری راندارد.

مركجمالعبدالناصر

۴۴ سال پیش، برابر با بیست وهشتم سپتامبر ۱۹۷۰ میلادی، جمال عبدالناصر رئیسجمهوری پیشین مصر، پس از ۱۶ سال حکومت در سن ۵۲سالگی بر اثر سکته قلبی در گذشت. ناصر معتقد به اینترناسیونالیسم عربی و اتحاد میان کشــورهای عربی بود و در این راه تلاش می کرد.او در ســال ۱۹۵۶ کانال ســوئز راملی اعلام کــرد.ناصر در جنگ ســوم اُعراب و اســرائیل در سال ۱۹۶۷ میــلادی از این رژیم شکســت خورد و قســمتهای زیادی از سرزمین اشعال شداین امر ب داخلي وبين المللي ناصر لطمه شديدي ارد ساخت و تا پایان عمر خود، وجهه از سترفته رابازنیافت.

صدور اولين قطعنامه

۳۴ ســال پیــش، برابر باششــ ۱۳۵۹ خورشــیدی، قطعنامه ۴۷۹ به عنــوان اولین قطعنامه شــورای امنیت درباره جنگ عراق باایران صادر شد. در این قطعنامه، ضمن اظهار نگرانی عمیق در باره وضعیت رو به گست ش حنگ میّان دُو طُرف از ایران و عراق ُخواسته شده بود که مناقشه خود را از راههای مســالمُتآميز و طبق اصــُولُ عُدالت و حقوق بين الملل حل كننــد. قطعنامه ری ۱۳۷۰ ۴۷۹ هیچ اشـــارهای به متجاوز و آغازگر جنگ نداشت و دو طرف را به یک اندازه مور دخطاب قرار داده بود.

چالشسازي دربرهه حساس کنوني!

سوشيانس شجاعىفر د

یک سطل آب یخ، فقط یک سطل معمولی آب یخ نبود! موجی بود که جامعه را غرق خود کــرد! (البته آن بخش اینترنت ُزده جامعه را ُوگرُنه روستایی بنده خدا که خبر از این بازیها ندارد و مشخول آبیاری مزرعهاش با بطری ب معدنی است!) بعد هم که انواع دیگری از چالشها ساخته و پرداخته شد و حالا حالاهم قصد فرو... فرو.. فرو نشستن ندار داماهم که بیکار، داشتیم جدول روز نامه حل یم، رسیدیم به یک کلمه سخت، گفت. جدول حل كردن بنشينيم چند تا چالش ايجاد كنيم، ، دمومسئولین یکوقتبدون تفریح نمانند! -

چالش سوتى ندادن در گزارش: مااز وقتى طرح چراغ خاموش جمع آوری آنتهای ماهواره شــُروع شــده. دیگه ماهواره نداریم و مجبوریم فوتبال ها را از کانال های ایرانی دنبال کنیم. بنده گزارشــگرهای عزیز مخصوصا آنُ جوادشان رابه چالش گزُارُش کردن فوتبالُ بازیر ۲۰ سوتی دعوت می کنم اشما ۱۹ تاسوتی بدی برندهای!

چالـش دعوت بــه رفتن به صــدر جــدول!: تيم تراکتورسازی تبرینز، ضمین دادن وعیده قهرمانی، پرسیولیس تهران و ذوبآهین اصفهان را به چالش پر '' پر''' کی کرور' رہا۔ صدرنشــینـی صدر جدول دعوت کرد!چالش سخنرانی بــرای صندلیها: از ســاعت چنداین صندلیهــا خالیه؟! مشت؟! هفت؟! چُن.. شیش؟! من... تعدادی اسم دارم.. در جیبم.. نمی دونیم چرا.. هروقت میخوایم دست کنیم.. جیبمــون... دســـتمال کاغـــذی در بیاریم..که دماغمونو پاک کنیم. یک عده دادمیزنن..فریادمیزنن میگن نکنید...مخلص آقای رئیس هم هستیم!من همه رئیسجمهـوران.. دولتهای بعداز جنـگ رو.. دعوت می کنم.. به چالش افشاگری.. برای صندلیهای خالی! ; ندەبادىھار ...; ندەبادىھار ...

زندهبادیهار زندهبادیهار... چالش پیدا کردن دستشویی تمیز: از ساعت چند دنبال یک دستشویی تمیز می گردید؟! هشت؟! هشت؟! شیش؟! من فقط اودم تری این بارا گراف که جملهام رو تکمیل کنم و بگویم: و باز هم زنده باد خودماو گرنه پیدا کردن دستشویی تمیز و حتی یک دره تمیز، چه ربطی

به من دارد! چالش چاله چولههای شهر تهران: بنده شهر دار

سن و سال و قشری می بینم باز هم هضمش برایم دشوار



برنامسروري روزنامه نگار

از چندسال پیش تاکنون مهر برایم یاداًور خاطرهای تلخاست. شاید پنج، ششسسال پیش بود که به دیدار یکی از اقوام رفته بودیم. در جمع حاضر، پسر ربچهای ۱۲،۱۳ ساله هم بود که با توجه به نزدیکی مهرماه یکی از بزرگترهـــاحال و احوال پســر را پرســـید و این میان اشارهای هم به بازگشایی مدارس و فرارسیدن اول مهر کرد، که ای کاش نمی کـرد. در پی این اشـــاره ناگهان چشمان درشت پسرک از خوشــحالی برق زد و گفت: مه نمی دونی چقدر منتظر مراولین روز مدرسه بشه!» من که چندسـالی بوداز حال و هوای درس و مشــق و مدر ســه فاصله گرفته بودم در پی مشاهده این اشتیاق سرد گوش تیــز کردم تادلیل این میزان از شــور و شــوق را بدانم، که ای کاش نمی دانستم! «مطمئتم کفش من از همه گرون تره می خوام حال اون دوتا بچه پولدار پروی کلاسے ببینم وقتی که کفش منو میبینن. میخوام ببینم چه شکلی میشن!» واقعا چیزی که شنیدم را باور نمی کردم شایداز همان اول هم نباید گوش می دادم، اصلاً به من چه که بچه مردم برای چه مشتاق

مشكوك بود، اماهر گز گمان نمى بردم چنين دليل قاطع و قانع كنندهاى پشتش باشد! قصد انتقاد از پدر و مادر آن پسر بچه را ندارم، هرچند بدون شک در بروز چنين ں۔ ''رازر کر ''راز کر '' کر ''رازر کر '' ۔''رازر کر ''۔ رفتاری تأثیر زیادی داشتہ اند حتی قصدانتقاداز پسر ک را ھم ندارم چون واضح است که کودکان اگر از تربیت ر ستی برخوردار نباشند، احتمال گم کردن راه صواب از ناصوابشان بسیار زیاد است. غرض اصلی از نوشتن این سطور شساید انتقاد از یک نوع جهان پینی باشد که ین مسور مسید است. در شرق و غرب عالم به شدت فراگیر شده و با این که در ابتدا کمپانیها و شرکتهای تولید کننده معروف عامل انتشارش بودنداماً در ادامه تکُتک مانیز بر شعله و ىنشُ دَامُن زديم مُيل به بِرندبازي، تَفَاخُر به ماركُ كفش ولباس وحتى كمربند أنهم به قيمت گذشتن از بهری وجیی نمویسان هجیه فیصت ندستزار برخی هزینه های جاری و لازم زندگی تنها برای این که اشتیاق مفرط به تکبودن و بهترین و گران ترینها را داشتن درخود ارضا کنیم، شسما را نمی دانم اما شخصا نمی فهمم چطــور می توانیم به این جور مســالل فکر کنیم وقتی در دوقَدمی مُحل زندگیمانُ پســربچهایُ بالباسهای کثیف و پاره در سـطل زباله به دنبال غذا مي گردد واقعاً چطور؟

فوكوس ...



 > جمال عبد الناصر و معمد انور ســادات در مر اســم حج (۱۹۵۶). مرگ ناگهانی عبد الناصر مردم جهان عرب را بهت ز ده کرد و براور این که او به مرگ طبیعی مرده باشــد بر ای بسیاری سخت بود. مصطفی معمود نویسنده و پزشک مصری در کتاب خاطر اتش این احتمال را مطرح کرده است که قلب جمال عبد الناصر پس از خور اندن زهر به او دچار عار ضهای . پده شده اســت. هدی دختر عبدالنامبر تاکنون چندین بار انور س



۔۔۔ ـت که ما طرفدار دولتَیم، ولی دلیل نمی شود نگاه

من گرانترین هستم!

ر چشمهایمانراببندیم!

است. قبول دارم آن میزان اشتیاق برای رفتن به مدرسه باز شدن مدرسه است! آن زمان این رفتار را نفهمیدم و باور نکردم. هنوز هم بااین که چنین طرز فکری را در هر

یکسسال از ازدواج آقاو خانم ف می گذرد. آقای ف کارمند بخش فروش یکی از شـر کنتهای خصوصی تازه تاسیس اسـت و خانم ف خانعدار. زندگی خوبی دارند. نقاط اشتراک زیادی دارند و همین تفاهم دلپذیری را برایشان به همراه آورده مشلاهر دواز بینندگان پُرو پاقرص تلویزیونند بُعضی مواقع صُداُی خاصی از خانهشان نمی آید جز صدای برنامه هایی که با در حال بخش است با خانم ف براي آقاي ف ضبط ب که به خانه آمد، ببیند مامان!بخش آشيزي دست پخت مامان براي خانم ف و دیدن لوازم و زندگی مردم بــرای آقای ف. خودش یک بار ایــن رامطرح کرد. گفت دوســت دارم ببینم مردم چه جوری زندگی می کنندو چه افراد مشهوری برای خوردن بــه خانه مردم می روند بعــداز آن یک شبى كه داشتند دست يخت مامان رامي ديدند أقاى . . ف پرسید دقت کردی همه مهمان ها از خوبی داشتن بچه حرف می زنند؛ خانم ف که مشـغول یادداشت . لوازم مورد نیاز غذا بود، چیزی نگفت اماروزهای بعد به این قضیه دقت کرد و فکر کرد چرا خودشان بچه

زندكي خصوصي خانمو آقاي ف ۶ ســالی از زندگی آقا و خانم ف می گذرد. زندگی

نوبی دارند و حُاصل زندگیشان ف کوچکی اسُ فيلى هم شيرين زبان است. يک روز خُانم ف بانگراني تلفن رابرداشت و از آقای ف خواست همین الان به خانه برگردد. آقای ف بارئیسیش جلسیه داشت و از بر خانہ ف خواست تاعص کہ یہ خانہ می ود صب کند عمر خانم ف گفت که ف کوچک علائم افســردگی عصر خانم ف گفت که ف کوچک علائم افســردگی دارداامــروز ناگهان از اتلق بیرون آمدو گفت کســـی ر زرر های را بی در این در در کشت. مرا دوست ندارد. «کسی بامن بازی نمی کند و همه با خواهر وبرادرهای خودشان بازی می کنن».

هفت سال از زندگی آقا و خانم ف می گذرد. زندگی خوبی دارند و حاصل زندگیشان ف کوچک و ف ۱۰ روزه است. امروز آخرین روز مرخصی آقای ف است. خسته از بیخوابی ـف ۱۰ روزه تمام شب را گریه کرده روبروی تلویزیون نشسته و کانال هاراعوض می کند. روی یک شبکه نگه می دارد. تصاویری از بچههای ۔ کوچک پخش میشود که هر کدام چیزی می گویند و طلب خواهر و برادر دارند. کارشــناس برنامه بعد از دیدن این تصاویر به آقای ف چشم می دوزد واز معایب تك فرزندى مى گويىد. آقاى ف به ف كوُچِكُ نگاهمٍ مى اندازدو لبخندى مى زندو خوشحال اُست كه او از این معایب درامان مانده.

زندگی خوبی دارندو ثمره زندگیشان ف کوچک وف کوچکتر است ف کوچک مدرسه است وف ر عنی خوبهی عرب و عنوان می خوبه و ف کوچک تر است. ف کوچک مدر سبه است و ف کوچک تر در حال بازی. خانم ف کدروی قوطی رب را ر پیامک می کندوبعد حواسش رابه تلویزیون می دهد. کسی تماس می گیرد تا با کارشناس برنامه صحبت کند خانمی می پرسد به نظر شما چند بچه داشته باشیم بهتره اف کوچک تر سرو صدامی کند باید سرى به غذا بزند به سمت آشيز خانه مے رودو بخشے رت. از گفتگو را از دست می دهد. به ف می گوید صدای تلویزیون رابیشتر کندومی شنود که خانم کارشناس از الگویی نام بردو گفت «..به پیروی از ایشون چهار تا

حرفروز

پانزده ســال از زندگی خانم و آقا ف میگذر زندگی خوبی دارند. حاصل زندگیشان ف کوچک، ف کوچکتر و دوجفت ف دوقلواست. آقای ف باف کوچکتر به بغیل و ف کوچک به روی سن می روند. مراسم تجلیل از خانوادههای پرجمعیت اداره است. همانطور که ف کوچک تر میکروفن رامے پلعد، آقای ف متوجه این قضیه ـ ر ر بر ی. نمی شــود که چطور فرزندان او اقدامی موثر در جهت کاهش سالمندی جمعیت شدند.او و خانم فتنهاتلويزيون تماشامي كردندا

*عباراتُداخل گيومهبُر گرفتهازبرنامههاي



با کاهش ۵ تا ۷ در جهای دما پیش بینی می شود. آسـمان تهـران امروز صـاف گاهـی وزش باد به صادر این روز به ۱۸ و ۳۱ درجه سانتی گراد بالای صفر میرسد. روز دوشسنبه نیز آسمان تهران نیز صفر می رسد. روز دوشــنبه نیز آسمان تهران نیز کمی ابری در ارتفاعات افزایش ابر و احتمال بارش عداقل وحداکشـر دمادر ایــن روز ۱۹ و ۲۹ درجه

